

طب اسلامی

قوای چهارم قوای دافعه

کار دفع مواد زاید و ایمنی مواد را انجام می‌دهد. به تعبیر طب نوین همان نقش گلبول‌های سفید را انجام می‌دهد. اگر این قوه زیاد شود می‌تواند موجب برخی امراض شود مانند ام اس و برخی از فلجی‌ها. یکی از کارهایی که در طب اسلامی باید انجام شود این است که آن‌ها بیابند طبشان را برگردانند به الفاظ و طب اسلامی ما. چون فعلا دور دوره ودست افراد طب شیمیایی است ما باید بیاییم الفاظمان را به اصطلاحات آن‌ها برگردانیم و بعد نقاط ضعفشان را در آن اصطلاحاتشان بهشان نشان بدهیم. مثلا یکی از بیماری‌هایی که جلسه‌ی قبل عرض شد در مورد بیماری فیتیله گو و با برعکس بود. میان میگن در مورد راجبش که این گلبول‌های سفید حمله کردند به رنگدانه‌های پوستی و اثر این حمله شده پی سی یعنی برعکس. یعنی ک جنگ جهانی در ذهن ما راه می‌اندازند و بعد می‌گ.بند که این چحوری درمان میشود میگوید درمانش را بلد نیستیم. چحوری ایجاد میشود میگویند اقا بهش یک شوک عصبی وارد شده و اینا. خب ما تو طب اسلامی چقدر خوشگلتر و زیباتر میگوییم. ما میگوییم چرا جنگ راه می‌اندازی. گلبول سفید تو همان بلغم ماست که تو خون است. شما گلبول سفید میگویند در خون ما میگوییم بلغم. این بلغمش زیاد شده است. بلغم زیاد هه مثل آتش زیر خاکستر عمل می‌کند. مثلا فرد شکست عشقی می‌خورد یا بهش خبر ناگوار میدهند میگویند که کنکور را قبول نشده ای و شوک عصبی بهش وارد میشود و اثرش میشود بیماری سه هفته پیش یک فردی پیش من آمدند و بیماری سرطان داشتند. این بیماری سرطان را شیمیدرمانی کرده بودند و اب درمانی رفته بودند و از هیچ کدام نتیجه نگرفته بود در عرض سه هفته ما علت درمانی کردیم و یک سری چیزای خیلی ساده را بهش دادیم به اضافه ی ویزه ی یک و یک شیفی بود و یک سری داروها را بهش دادیم و در واقع الان میگوید که من خوابم راحت شده است نفس نمی‌توانست بکشد الان نفس مشیدنش طبیعی شده است. میفگت که بالا اوردم حس می‌کردم که غده‌هاو گرفتگی‌های بدنم بود که من آن‌ها را بالا اوردم و به شکل عجیب غریبی بود به شکل یه سری چیزهای گرفته گرفته بودو یک رنگ عجیب غریبی داشت. بعد از این که دو هفته از درمانش گذشت و این اتفاق افتاد میگفت که حس کردم یک سنگینی ازم برداشته شد و همان تمور را ایشون بالا آورده بودند. عطسه نمی‌کردند. ما ایشان را به عطسه کردن انداختیم. اولین کاری که در مراجعه می‌کنید باید برپسید که از فرد که عطسه میکند یا خیر. اگر عطسه نمی‌کند باید دماغش را فعال کنید دماغ حکم سوپاپ زودپز را دارد یعنی اون سوپاپه بسته باشد بدن از تو می‌ترکه. اولین کاری که ما میکنیم تخلیه این است یعنی سرشور است که ما داریم باید این را به بیمارستان بدهید. منعش کنید از ارایش‌های غلیظ و مواد شیمیایی که این منافذ پوستی شروع میکنند به باز شدن و توصیه بهش بکنید که اگر میتواند به یک جای خوش آب و هوا برود.

این در عرض کمتر از سه هفته همهی مشکلاتش برطرف شد و الان زندگی عادی دارد تعادل دارد میتواند راه برود و رانندگی کند و الان تخت نظر بنده است و مشکلی ندارد.

اگر این کار قوای دافعه و یا همان گلبول سفید یا بلغم که بلغم نقش ایمنی بدن را دارد که گفتیم ادم های بلغمی ادم های تدافعی هستند عهیچ وقت ادم های بلغمی را در جمع ضایع نکنید بیریدش بالا برعکس ادم های صفراوی هر چه ضایعش کنید بیشتر عاشقتان میشود به شرطی که که اون رباطه ی عاطفی هم برقرار بشود دیگر برایش مهم نیست تو جمع ضایعش کنید یا بزندی پس کلهش و یا هر کار دیگه ای. پس ادم های بلغمی به شدت ادم ها تدافعی هستند و زود به دل میگیرند و زودرنج هستند. بیماری ام اس از زیاد شدن وه ی دافعه یا زیاد شدن بلغم یا به تعبیر ناقص طب شیمایی زیاد شدن گلبول سفید بیماری ام اس را به وجود میاورد. در بیماری ام اس می کیوند که قوای دافعی بدنت زیاد شده است و رفته حمله کرده به سلول های دیگت بعد اون سلول ها را زیاد کرده و تو بیماری ام اس گرفتی. ما می گویم که طبع بلغم سرد هست. بلغمش زیاد شده است سردی به اعضا بدنش سرایت کرده بیمار اس گرفته. عامل گرمی بدن خون هستش یعنی دم. این نتوانسته تو اعضای بدنش جریان پیدا کند این باید خون در بدنش به وجود بیاید باز دوباره این فرد شروع میکند به فعالیت. عرض کردم که یک بیمار ام اسی هم داشتیم که الان الحمدالله برگشته به زندگی عادیش و طبیعی برگشته. تنها کاری که انجام دادیم این هست که بدنش را گرم کردیم و کار دیگری انجام ندادیم.

قوه ی پنجم قوه ی مرویه

لفظ ان به معنای سبک کننده است. منشا ان طحال است. که مواد سنگین را به مواد سبک تبدیل میکند. هر وقت گفتیم سنگینی به معنای سودا است. در واقع به تعبیر طب اسلامی بلغم و سودادایی کارکرد طحال است. وقتی طحال ضعیف میشود سخته ها و گرفتگی رگ ها و تنگی نفس زیاد میشود. که یکی از راه های تقویت ان مشعی کع در روایت آمده است یعنی پیاده روی است. لازم به ذکر است که زمانی که طحال باد میکند این نشانه ی خوب کار کردن ان است. و تا انجا که میشود نباید ان را از بدن بیرون آورد. بلکه باید به بدن کمک کرد کع بتواند مواد سنگین را دفع کند.

دیدید که این پیمردهایی که ۹۰ سالشون هست که دیوار راست را بالا میورند یعنی انرزشان از جوان ها بالا است این ها قوه ی مرویه ان ها فعال است به دلیل انیکه پیاده روی ان ها بالا است یعنی مشعی ان ها بالا است. دایم در حال پیاده روی است از صبح تا شب. قوای مرویه در خیلی از بیمار ها دچار لطمه است این ها باید با مشعی مشکلشان را ازبین برد. یکی از عواملی که قوای مرویه را ضعیف میکند سودا است که سنگینی می آورد برای ادم ها رخوت می آورد. ادم های صفراوی کسانی که طبع گرمی هداردد ادم های شادتری هستند ادم های سبک تری هستند منتها باید مواظب باشند که سنگینی خودشان را از دست ندهند. عرض کردیم که هرکسی در این دنیا

یک اولویت مبارزه با نفس دارد باید ان اولویت را تشخیص دهد که باهش مبارزه کند. افراد سوداوی مهربان بودن برایشون فضیلت محسوب نمی شود این ها فضیلتشان این است که در فکر نروند روی نفس خودشان کار کنند که در فکر نروند بتوانند مبارزه کنند و فعالیت کنند و کار کنند و از افسردگی به دور باشند. افراد صفاوی اجتماعی بودن برایشون فضیلت محسوب نمیشود این طبع پایه ی بدنش هست که اجتماعیش کرده است. کافر هم اگر بود اجتماعی بود اینکه مومن است. این اولویت نفسانی اش این است که وقار را حفظ کند هر جایی با هر کسی شوخی نکند با نامحرم شوخی نکند. هر کسی اولویت نفسانس اش با توجه به ان طبعی که دارد متفاوت است. بخاطر همین است که این شبهه جواب داده میشود که میگویند که چرا فلانی کافر است ولی از ما بهتر است ما میگوییم که اولاً هم از ما بهتر نیست تو یه خصوصیت خوب توش داری میبینی مثلاً مهربانی مثلاً خیلی اجتماعی است اما مطمئن باش که یک جای دیگش میلنگه چون اصلاً اینم اعتقاد ندارد به مبارزه بر نفس. این طبع پایه بدنش یک چیز است که یک شاخص در بدنش را برجسته کرده است که حضرت اقا می فرماید که در مورد غربی ها که این ها انسان های پرتلاشی هستند گرچه کافر هستند اما ایا خصوصیات دگری دارند خیر میتوان از وحشی گریشان مثال زد از کشتارهای دست جمعی که در کشورهای دیگر اتفاق می افتد. باید فرد تلاش کند که همه جانبه خودش را بسازد. اگر کسی دیدی که قوه ی مرویش ضعیف است باید روی طحالش کار کنید. طحال سودا را میگیرد و می شکند و هسته اش را تبدیل به صفرا میکند که این کار طحال است یعنی سنگینی بدن را میگیرد و سبکی می آورد. تبدیل میکند به صفرا که سبکی می آورد. یعنی کارکرد طحال به تعبیر طب اسلامی سودا زدایی است. وقتی طحال ضعیف میشود سخته زیاد می شود گرفتی رگ و تنگی نفس زیاد می شود. شما روی طحالتان کار کنید. تنگی نفستان از بین میرود که یکی از راه های ان مشعی است یعنی پیاده روی روزانه است. به طحال قبرستان سلول ها نیز میگویند.

طبایع مزاجها

همه چیز در عالم طبع دارد. ایا مزاج ها هم طبع دارد. بله مزاج سودا طبعش سرد و خشک است. مزاج بلغم طبعش سرد و تر است. مزاج صفرا گرن و ترم است و مزاج دم گرم و ملین است یعنی نه رطوبت دارد نه تری چیزی که در دم ملاک است گرمی دم است.

گفتی که قوه ی مرویه لفظش به معنی سبک کننده است و منشا ان طحال است. کاری که میکند این است که مواد سنگین را به مواد سبک تبدیل میکند و گفتیم که مواد سنگین هر جا گفته شد منظورش وسنا اس. اصلاً کار مزاج سودا ایجاد قام و قرار درد بدن است. در بسیاری از افراد علت مریضی ان ها عدم وجود سودای صافی است. یعنی اگر در این فرد سودای صافی را شروع کنیم به وجود آوردن بسایری از مشکلاتش از بین می رود. این را طب سنتی بهش خیلی قایل نیست یعنی اکثراً از سودا بد یاد میکنند در حالیکه گاهی اوقات باید یک مزاجی را در مریضمان ایجاد کنیم منتها به شکلی صافی به شکل خوب. تا وقتی سودای صافی برای مریض ایجاد نکنیم

دیسک کمرش خوب نمیشود کسی که دیسک کمر دارد. روی زبان کسی که دیسک کمر دارد به صورت چاله چاله و قرمز رنگ است این ها افراد صفراوی هستند که نشان دهنده روطبت هست و قرمزی هر موقع که دیدیم که روش حالت کدری امد یعنی میرود سمت درمان. این سودا اصلا در بندش وجود ندارد ما باید در بدنش سودا به وجود بیاریم بنابراین هر کدوم از این مزاج ها خوب است باید باشد. اما اگر سوخته شد و زیاد از حد شد ان میوشد بد. مثلا یکی از چیزهایی که صفرا تولید میکند کدو حلوائی است و میتوانیم برای افراد سوداوی این را تجویز کنیم و یا بادمجان به شدت برای افراد سوداوی خوب است به شرطی که صفرا نداشته باشند. سخت ترین درمان ها متعلق به کسانی است که اختلال مزاج ها دارند یعنی همزمانی که سوداشون بالا هست صفراشون هم بالا است این را در کنار بادمجانی که بهش میدهید باید بهش چیزی هم بدهید که سوداش رو هم کنترل کند. باید مریضتان را هعی چک کنید. اگر علت درمانی کنید همه یمبیماری ها باهم درمانی میشود. بنابراین اصلاح مزاج اتفاق بیفتد بدن خودش کار خودش را انجام میدهد. طحال باد میکند وقتی سودا در بدن زیاد میشود. چون طحتل داره کار خودش را انجام میدهد خدا طحال را در بدن برای این گذاشته که سودا را جذب کند و تبدیل کند به صفرا. حالا سوئدای فرد خیلی زیاد میشود و طحال طاقت نمی آورد و باد میکند. تا جایی که میشود نباید طحال را از بدن خارج کند مگر اینکه فرد دم مرگ باشد . بگویند اگر طحال را درنیاوری این پاره میشود و فرد میمیرد. تا جایی که میشود طحال را در نیاورید باید روی سودای طرف کار شود. وقتی طحال ضعیف میشود سخته ها و گرفتگی و تنگی نفس زیاد میشود چون سودا در بدن زیاد میشود. سه تا راه دارد یکیش مشعی است و یکیش سیب و نوره مالی. چرا نوره مالی بخاطر این هست که غذای مو سودا اس. یعنی مو سونا را میگیرد و رشد یکنند و حالا اگر موهای ما رشد کرده باشد و موهای زاید را کوتاه نکنیم وقتی که موهای من بزرگ باشد دیگه بزرگتر ان نمیشود و بنابراین نمیتواند سودا را بکشد و رشد کند. بنابراین ما نوره مالی ۱۰ روز یکبار ۱۲ روز یکبار را تجویز میکنیم به بیمارمان سودا را میکشد و شروع میکند به رشد کردن و ما کمک میکنیم به بهبود طحال. کسانی که پاهای پر مویی دارند سودایی هستند چون سودا سنگین استو به پایین میورد. محل خیزش نفس امایه نواطی کبد است. یعنی این عضو از اعضای ریسه است و با تقویت ان نشاط بدن به دست می آید. بیماری های برس و بهر که یک نوع بیماری پوستی مربوط به کم کاری کبد است و میتوان با تقویت کبد به بهبود ان کمک کرد. ما یک تولید کننده یسلول داریم که مبد است و یکی قبرستان سلول داریم که ان طحال است. مغز به کبد سلول میدهد که ما فلان سلول ها را داریم تو بساز کبد شروع میکند به سلول سازی و اگر این سوخته بشود و تبدیل بشود به سنگینی تبدلی بشود به سوداوی ان سنگینی را از بین میبرد. محل خیزش کل نفس نامی نواطب کبد هست که ۵ تا قوا داشت و ۲ تا خلصیت پس ما باید در بیمارمان کبد را بهش حواسمان باشد. افراد سوداوی کبد چرب دارند. افراد صفراوی کبد داغ دارند. هپاتیت از چی هست از صفراوی است که کبد را داغ کرده است. افراد صفراوی برگ چغندر بدید و افراد هپاتیتی.